



سوسیتی

پروہش گاہ علوم انسانی و مطالعات فنی
پرتال جامع علوم انسانی

«ای بسا معنی که از نامحرمی‌های زبان

با همه شوخی مقیم پرده‌های راز ماند»

آیا ما مفهوم واقعی موسیقی را می‌شناسیم؟ کدامیک

را می‌پسندیم و کدام یک از انواع آن برای ما گویاتر است

و می‌توانیم با آن ارتباط برقرار کنیم؟

متأسفانه بعضی از واژه‌ها همیشه و به‌طور دقیق

گویای معانی و مفاهیم واقعی آن نیستند و به همین

علت بیشترین کوشش فرزنانگان و سخن‌سنجان

همواره انتقال مفاهیم ظریف و شکننده‌ای است که در

میان این‌گونه واژه‌ها وجود دارد.

بنابر اصل «دلالت لفظ بر معنی» حالت و صفت و

به‌طور کلی ویژگی‌های ظاهری یک موجود «دال» بر

وجود عامل دیگری به نام «مدلول» است که در بدو امر

مشاهده و احساس نمی‌شود؛ به این معنی که با شنیدن

یک واژه «ذهن ما» به تصور مفهوم آن پرداخته و آن را

مجسم می‌کند.

تصور ذهنی انسان از واژه «موسیقی» نظیر صورتی

است که در آینه منعکس می‌شود. با این تفاوت که آینه

بازسنجی مفاهیم گوناگون

در انواع موسیقی

دکتر مصطفی کمال پور تراب

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتبه‌دار استادی



فعل‌پذیر محض است؛ ولی ذهن فعالیت دارد و متناسب با تخیلات، نیازها، سلیقه‌ها و خلاقیت‌ها و آگاهی‌های صاحب آن، در تصور خود تصرف کرده و از آن شکل و صورت جدیدی را متجلی می‌سازد. تصور به اعتبار کمیت، از نظر جزء یا اجزاء تشکیل دهنده آن سه‌گونه است:

الف - تصور جزئی، ب - تصور اضافی، ج - تصور کلی «تصور جزئی» شامل یک مورد معین است که مفهوم آن مستقل است و ربطی به مورد دیگر ندارد، مانند واژه «تار» و واژه «سه‌گانه».

«تصور اضافی» شامل بیش از یک مورد است. مانند «سازهای مضرابی» که می‌تواند شامل: تار - سنتور - سه تار - گیتار و غیره باشد.

«تصور کلی» آن است که برای تعداد زیادی از واژه‌ها در نظر گرفته می‌شود، مانند واژه «ساز» که شامل کلیه آلات موسیقی است.

«کلیت» نیز به نوبه خود به «جنس»، «نوع»، «فصل»، «عَرَضِ خاص» و «عَرَضِ عام» تقسیم می‌شود.

۱ - «جنس»، تصویری است که به موجودات مختلف الحقیقه دلالت دارد، مانند هنر، که نقاشی، نمایش، ادبیات، سینما، شعر و موسیقی و سایر هنرها را دربردارد.

۲ - «نوع» به موجودات متفق الحقیقه دلالت دارد، مانند انواع موسیقی: چینی، ژاپنی، ایرانی، ملی، اصیل، محلی، مقامی، فولکلوریک، عامیانه، شهری، عامه‌پسند، پاپ، بومی، کلاسیک، جدی، بازاری و غیره که همه از انواع مختلف موسیقی هستند.

۳ - «فصل» وجه یا جوه تمایزی است که بین افراد یک نوع وجود دارد، مانند تمایز بین موسیقی ویتنامی و موسیقی فرانسوی و بین موسیقی علمی و موسیقی عامیانه.

۴ - «عرض خاص» که وجه تمایزی است بین یک جزء از اجزاء یک نوع با کل آن، مانند «گوشه» که یکی از اجزاء «ردیف» در موسیقی ایرانی و مخصوص به خود آن است.

۵ - «عرض عام» صفتی است مشترک میان افراد یک نوع، مانند موسیقی محلی، مقامی، عامیانه و سنتی که در موسیقی ایرانی صفت مشترک آن‌ها «ایرانی» بودن است. البته این صفات، در موسیقی کشورها یا ملت‌های مختلف نیز صادق است. به این معنی که کشورهای دیگر نیز به نوبه خود، موسیقی ملی، محلی، مقامی، عامیانه و... مخصوص به خود را دارند، مانند موسیقی ملی، مقامی و عامیانه کشور مجارستان.

از آنجا که ملت عبارت است از مجموعه افراد یک کشور و ملیت شامل مجموعه صفات و خصائص افراد یک ملت یا کشور است، می‌توان گفت که «موسیقی ملی» (National music) مجموعه‌ای است شامل کلیه زیرمجموعه‌هایی که اجزاء آن به شمار می‌روند و چون این مورد در کشورها و ملت‌های دیگر نیز صادق است، بنابراین می‌توان گفت: «موسیقی ملی ایران» مجموعه‌ای است مستشکل از زیرمجموعه‌هایی مانند: «موسیقی



سنتی»، «مقامی»، «پاپ»، «اصیل»، محلی یا فولکلوریک، عامیانه، شهری، موسیقی روز، عامه پسند، بومی، جدی، بازاری و غیره.

موسیقی محلی یا فولکلوریک

واژه فولکلور که از دو جزء فولک (Folk) به معنی «مردم» و «لُر» (Lore) تشکیل شده، به معنی دانستی‌ها، شناخت و آگاهی‌های افراد فعال و زحمتکش قبیله یا روستا یا محل و منطقه معینی است که با احساسات ساده و بی‌پیرایه خود روزگار می‌گذرانند. این‌گونه افراد که از نظر منش، نحوه زندگی، حرفه، وضع اقتصادی، موقعیت جغرافیایی، سنن، طرز تفکر، آداب و رسوم، لهجه، عشق‌ها، آرزوها، مشکلات، شکست‌ها و پیروزی‌ها دارای ویژگی‌ها و به‌طور کلی فرهنگ خاص خود هستند؛ با توجه به شادی‌ها، غم‌ها، امیدها، موفقیت‌ها و حماسه‌های خود، دارای تراوشات فکری و هنری مختلف و گوناگون مانند ابداع افسانه‌ها، داستان‌ها، ترانه‌ها، حرکات موزون و... هستند که متناسب و برگرفته از فرهنگ آن‌ها به صورت مختلف است و طی سالیان دراز حتی چند قرن، بدون آن که رنگ و بوی خود را از دست بدهد، دهان به دهان و زبان به زبان، از نسلی به نسل دیگر منتقل شده و از صافی و غربال سلیقه‌ها و استعداد‌های مختلف گذشته و پالایش شده است. به همین دلیل، هنرهای فولکلوری که به خاطر ویژگی‌های «محل خاص» آن‌ها را محلی یا بومی می‌توان نامید، در تمام محدوده‌های محلی یا بومی جهان متناسب با ویژگی‌های آن‌ها وجود دارد که در میان آن‌ها کلیه محل‌هایی که تحت لوای یک نظام یا ملت قرار داشته و شباهت‌هایی کلی در میان فرهنگ آن‌ها وجود دارد، به‌طور کلی جزئی از «موسیقی ملی» آن‌ها را تشکیل می‌دهد. به عنوان مثال، کلیه موسیقی‌های محلی مازندران، گیلان، آذربایجان، کردستان و دیگر نواحی ایران که همگی آن‌ها، ضمن دارا بودن تفاوت‌های گوناگون محلی، از نظامی واحد

تبعیت می‌کنند، هر یک تشکیل دهنده زیر مجموعه‌ای از «موسیقی ملی کشور ایران» به شمار می‌روند، به‌طوری که کلیه آن‌ها را می‌توان «موسیقی ایرانی» نامید.

موسیقی و رقص و سایر هنرهای فولکلوری، در واقع قلب و به عبارتی آغاز کلیه موسیقی‌های جهان به‌شمار می‌روند به‌طوری که قسمت اعظم موسیقی‌های پیشرفته جهان که با ارکسترهای مختلف کوچک و بزرگ و حتی ارکسترهای سمفونیک اجرا می‌شوند، از موسیقی محلی به وجود آمده‌اند و همین موسیقی فولکلوری یا محلی است که ریشه در آن موسیقی با عظمت دارد. با اطمینان کامل می‌توان گفت که انواع موسیقی‌ها به نحوی در بطن خود موسیقی محلی دارند. موسیقی محلی، طبیعت مردمان یک نژاد یا ملت یا مناطق محدود دور افتاده از تمدن را بیان می‌کند به‌طوری که با گوش دادن به ترانه‌های محلی یک ملت به خوبی می‌توان مطالبی درباره آن‌ها دانست. بیشتر این‌گونه آهنگ‌ها که ما می‌شناسیم و در اذهان مردم پایدار مانده است، متعلق به گذشته‌اند. شاید روزی از روزها، فرد معینی در اثر شکست یا پیروزی یا دیگر نیازهای عاطفی خود یکی از آن‌ها را ابداع کرده و طی سال‌های متمادی از پدر به پسر یا از مادر به دختر منتقل شده، بدون آن که در جایی ثبت شده باشد. بعضی از این ترانه‌های فولکلوری گویای آب و هوای کشوری بخصوص یا مبین نحوه زندگی مردمانش هستند. ولی از همه مهم‌تر آن است که این ترانه‌ها با ریتم (Rhythm) و تکیه و سرعت مکالمه و بالاخره زبان شعر آن‌ها هماهنگی دارد و این همان چیزی است که باعث شناخت موسیقی‌های محلی کشورهای مختلف از یکدیگر می‌شود.

مقام و موسیقی مقامی (Mode and Modal music)

عوامل اصلی تشکیل دهنده موسیقی «ریتم» (Rhythm) و اصوات موسیقایی هستند. ریتم عبارت

است از وضعیتی پیچیده متشکل از کشش صداها و سکوت‌هایی که دارای طول‌های زمانی گوناگون بوده و در فضای زمانی، حالتی خاص در شنونده ایجاد می‌کنند. تپش یا ضربان قلب، چهار نعل اسب، صدای برگ درختان در اثر وزش باد، صدای رگبار و حتی مکالمه انسان‌ها، همگی معرف ریتم هستند.

صداها موسیقایی تشکیل می‌شود از سطح‌های مختلف زیرایی (Pitch) یا زیر و بمی، که با نظم معینی حرکت می‌کند و معمولاً همراه با ریتم است.

اگر صداها را تشکیل دهنده هر «ملودی» را که به ترتیب معینی است، به ترتیب زیر و بمی از بم به زیر، یا از زیر به بم، در کنار یکدیگر قرار دهند، گام (scale) معینی به وجود می‌آید. اصوات «گام» دارای فاصله (Interval)‌هایی معین با یکدیگر هستند، که تعداد آن‌ها در فاصله اکتاو (Octave) بدون تکرار ممکن است به هفت یا پنج یا شش یا حتی به دوازده برسد. گام‌های دارای هفت صدای مختلف را که با در نظر گرفتن فاصله اکتاو، در واقع از هشت صدای مختلف تشکیل می‌شوند، هفت درجه‌ای (heptatonal) و گام‌های دارای پنج صدا را که با اکتاو شش درجه (degree) دارند، پنج درجه‌ای (Pentatonic) و گام‌های دارای شش پسرده در میان فاصله اکتاو را گام تمام پرده (whole-tone scale) و گام‌های دارای دوازده نیم پرده را (dodecapronic) گویند.

فاصله‌هایی که در میان صداها همسایه گام‌ها در موسیقی غربی وجود دارد، یا به صورت «نیم پرده» (half-tone)، یا «پرده» (whole-tone) و یا گاهی یک و نیم پرده به صورت «دوم افزوده» (augmented second) هستند، به استثنای گام دودکافونیک که تمام فاصله‌های آن فقط نیم‌پرده است.

قرار گرفتن این فاصله در نقاط مختلف گام و استفاده از این فاصله‌ها در ملودی، حالت‌های گوناگونی ایجاد می‌کند که هر کدام از آن‌ها رابنا به حالت مذکور، به

نام‌های گوناگونی معرفی می‌کنند.

در موسیقی غربی، نحوه قرار گرفتن صداها هر گام، از نظر فاصله‌های مختلف نسبت به یکدیگر و همچنین نسبت به مرکز ثقلی به نام «بُن مایه» (tonic)، مقام (mode) نام دارد که برحسب توارث و طبق سنن هر کشور و هر نژاد به شکلی نمودار می‌شود.

همان‌طور که هر ملت برای بیان افکار و اندیشه‌هایش دارای زبانی ادبی است، که کم و بیش با بعضی از زبان‌ها خویشاوندی دارد، مقام‌ها نیز، زمینه و پایه و اساس موسیقی ملل مختلف است. به عنوان مثال چینی‌ها و هندی‌ها و اعراب و ایرانی‌ها و هر یک از ملل غربی هر کدام صاحب مقام‌هایی هستند که کم و بیش، از یکدیگر متمایزند. در دوران قبل از زمان باخ (Bach)، در مغرب زمین، مقام (mode)‌هایی به نام مقام‌های کلیسایی (ecclesiastical modes) رایج بود که جای پرده و نیم‌پرده‌ها در مکان‌های مختلفی از گام (scale) آن‌ها قرار داشت. از زمان باخ به بعد، فقط دو مقام «بزرگ» (major) و «کوچک» (minor) که نام آن‌ها در مقام‌های کلیسایی به ترتیب یونین (Ionian) و ائولین (eolian) بود مورد استفاده قرار گرفت و آثاری را که بر مبنای این دو مقام (mode) تصنیف می‌شد موسیقی تَنال (tonal) نامیدند. این اصطلاح در مقابل موسیقی‌هایی که دارای مقام (mode)‌هایی غیر از این دو هستند قرار گرفته است. در نتیجه بقیه آثار موسیقی در کل جهان موسیقی مُدال (modal) یا مقامی نام گرفته است. در مشرق زمین و خاور میانه و بعضی از نقاط جهان، علاوه بر مقام‌های یاد شده، مقام‌های دیگری نیز وجود دارند که علاوه بر فاصله‌های نیم‌پرده‌ای و یک‌پرده‌ای و یک‌و نیم پرده‌ای دارای فاصله‌های متصل دو پرده‌ای (در موسیقی ژاپنی) سه‌ریح و پنج‌ریح پرده‌ای (در ایران) هستند. واژه مقام در کشور ما از حدود یک قرن پیش به وسیله استادانی مانند علی‌نقی وزیر و روح‌اله خالقی و سایرین معادل واژه غربی «مُد»

(mode) و واژه «مایه» معادل واژه تنالیت (tonalité) و «تن» (ton) فرانسوی و تنالیتی (tonality) و «کی» (Key) انگلیسی آمده و در کتاب‌های موسیقی به چاپ رسیده، کلیه هنرجویان تحصیل کرده در هنرستان‌های موسیقی و کلاس‌های آزاد موسیقی و هنر دوستان با این دو واژه «مایه» و مقام آشنا شده و به آن خو گرفته‌اند. از طرف دیگر تعدادی از موسیقی‌شناسان معتبر مغرب زمین، پس از آشنایی و مطالعه «مقام» در کشورهای مختلف غیر اروپایی متوجه شده‌اند که علاوه بر وجود فاصله‌های مختلف در مقام‌های کلیسایی و «ماژور» و «مینور» ویژگی‌های دیگری نیز علاوه بر فاصله‌ها باعث ایجاد تمایز بین مدها می‌شود که در میان ملل مختلف، بعضی مشترک و بعضی مختلف‌اند. به عنوان مثال اگر گامی که درآمد ماهر را به وجود می‌آورد با «بیلوال» (bilaval) در موسیقی هند، و مقام بزرگ (major) در موسیقی غرب مقایسه کنیم، هر سه به یک شکل هستند، ولی تحقیقات موسیقی‌شناسان دال بر اشتباه بودن این مقایسه است؛ به این معنی که فقط مشترک بودن فاصله‌ها و صداها در این سه مقام برای شناخت آن‌ها کافی نیست، بلکه تفاوت‌های بسیاری آن‌ها را از یکدیگر متمایز می‌سازد. بعضی معتقدند که علاوه بر موارد اشتراک یاد شده فوق، در میان موسیقی اکثر ملت‌ها یک نوع توالی اصوات، به صورت گام بالارونده و پایین رونده وجود دارد که از جهاتی مانند هم و از جهاتی با یکدیگر تفاوت دارند. به عنوان مثال در یکی از مقام‌های هندی، گام بالا رونده به صورت:

دو - ر - می - سل - لا - دو با پایین رونده آن: دو - لا - سل - می - ر - دو یکی است ولی در دیگری بالارونده به صورت: دو - می - فا - سل - سی - دو، و پایین رونده آن به صورت: دو - سی - لا - سل - فادی - یز - سل - فا - می - ر - دو است. به علاوه، فاصله صداها در این موسیقی با صداها در گام تعدیل شده (equal temperament system) مطابقت ندارد؛ یعنی اکتاو به فاصله‌های کاملاً

مساوی تقسیم نشده است. به عنوان مثال کوچک‌ترین فاصله در موسیقی هند که ظاهراً از تقسیم اکتاو به بیست و دو قسمت (Sruti) به وجود آمده، با یکدیگر مساوی نیستند و به همین ترتیب کوچک‌ترین فاصله در موسیقی ایرانی (که ربع پرده نام دارد) دقیقاً یک چهارم پرده نیست. یکی از موارد دیگر ساختار (structure) مقام در فاصله اکتاو است که در بعضی موارد به صورت دو «دانگ» (tetrachord) منفصل، (که در میان آن‌ها یک فاصله پرده‌ای به نام حد فاصل وجود دارد) و در مورد دیگر، به صورت یک پرده قبل از دو «دانگ» یا یک پرده بعد از دو «دانگ»، یا سه فاصله سوم قبل از یک پرده می‌باشد.

علاوه بر این، وجوه تمایز دیگری نیز میان مقام‌های مختلف وجود دارد که شرح آن در اینجا ضروری به نظر نمی‌رسد و آنچه که مورد نظر است ایجاد وحدت در کاربرد واژه مقام و موسیقی مقامی در کشور ماست. با توجه به کلیات پنجگانه: جنس، نوع، فصل و... ملاحظه گردید که کلیه مقام‌های موجود در جهان که در کشورهای مختلف به نام‌هایی مانند: پات (Patet) در اندونزی، تسیائو (tiao) در چین، راگا (Raga) در هند و... نامیده می‌شوند همگی از یک «نوع» هستند و تنها تفاوت میان آن‌ها، ویژگی‌های مخصوص به خود آنهاست؛ همان‌طور که کلیه گیاه‌های موجود در جهان، با وجود تفاوت‌های بسیار زیاد با یکدیگر، همگی از «نوع» گیاه هستند و کلیه انسان‌ها اعم از سفید و سیاه و زرد و سرخ، کوتاه و بلند، چاق و لاغر، کم هوش و باهوش همه انسان نام دارند.

بنابر این بهتر است مانند کشورهای مغرب زمین که واژه مُد (mode) را معادل کلیه مقام‌های مختلف موجود در جهان می‌دانند، به منظور احتراز از نوعی پیچیدگی و درهم برهمی مفاهیم، واژه مقام را به عنوان نوعی موسیقی که مجموعه‌ای از ویژگی‌های منحصر به فرد هر کشور را در خود دارد بپذیریم.